



بررسی دیدگاه ابن تیمیه و روایات شیعه در مورد طواف قبور

رحیم صبور *

چکیده

یکی از آداب‌ای که در زیارت قبور انبیا و اولیای الهی انجام می‌شود، دور زدن در اطراف قبور است. حال سوال این است، آیا همان‌گونه که زیارت قبور مشروع است، طواف و دور زدن، گرد قبور نیز مشروع است؟ ابن تیمیه از کسانی است که زیارت و طواف را مشروع نمی‌داند. سخن در مشروعیت و ماهیت این‌گونه طواف‌ها است. در این پژوهش به شیوه توصیفی _ تحلیلی، به بررسی این مسئله می‌پردازیم. در این تحقیق روشن می‌شود که اولاً، طواف و دور زدن در کنار قبور، طواف مربوط به بیت‌الله نیست؛ زیرا طواف بیت‌الله با توجه به دستور خداوند و شرایط خاص آن عبادت است؛ اما طواف دور قبور نه شرایط خاص را دارد و نه عبادت است؛ بلکه طواف به معنای لغوی است و صرفاً به جهت تبرک انجام می‌گیرد. اگر در روایات، طواف مورد نهی قرار گرفته، نه به معنای لغوی آن، بلکه به معنای مصطلح شرعی آن است. اگر نهی در روایات، مطلق قلمداد گردد که به هرگونه طواف متوجه باشد، در این صورت، نهی، تحریمی نبوده و تنزیهی و کراهتی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: طواف قبور، ابن تیمیه و طواف قبور، بدعت، روایات شیعه و طواف قبور، زیارت، تبرک.

مقدمه

با توجه به اینکه برخی از آداب، حاکی از عقیده و بلکه نشانه اسلام است، باید آداب عملی، به خصوص آداب مربوط به زیارات مورد بررسی قرار گیرد، تا مردم به خاطر جهل و نادانی گرفتار کار حرام و بدعت نشوند. یکی از آداب مربوطه، زیارت و طواف قبور است. از دیدگاه ابن تیمیه، طواف حول قبور (اعم از اولیای الهی و غیر اولیای الهی)، نامشروع و حرام است. وی در تائید ادعای خود به برخی از نصوص دینی و اجماع علمای اسلام استناد کرده است. ضروری است، جهت روشن شدن نظریه حق، ادعا و ادله ابن- تیمیه ذکر و مورد واکاوی قرار گیرد.

تحقیق پیش رو در پی تشویق و ترغیب به طواف نیست؛ بلکه هدف، بیان و روشن کردن مفاهیمی چون طواف و طواف قبور است، تا روشن گردد در چه صورت منتهی به حرام یا بدعت می گردد و در چه صورت مشروع می باشد.

بیان مفاهیم

الف: طواف

۱. در لغت

«طواف» مصدر «طاف»، «یطوف» به معنای گردش چیزی بر گرد چیز دیگر است.^۱ طواف البیت نیز به معنای چرخیدن اطراف کعبه است؛^۲ از دیگر معانی لغوی طواف، احاطه کردن است که فراهیدی در کتاب العین به آن اشاره کرده است؛ چنان که آیه ۱۹ سوره قلم می گوید: «فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ»؛ اما عذابی فراگیر شب هنگام بر تمام باغ آنها فرود آمد؛ در حالی که همه در خواب بودند؛ در واقع این آیه نیز همین معنا را در بردارد.^۳

۱. فیومی، احمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج ۲، ص ۳۸۰.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۲۵.

۳. «غانط، از دیگر معانی است که برای این ماده ذکر گردیده است»؛ (ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۲۷)؛ (فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۷، ص ۴۵۹).

۲. در اصطلاح

طواف به تنهایی دارای اصطلاح خاصی نیست و معنای آن با توجه به مضاف‌الیه، روشن می‌شود؛ به عنوان مثال، زمانی که طواف به لفظ بیت‌الله اضافه گردد، به معنای گردش به تعداد هفت شوط (دور)،^۱ دور خانه خدا با رعایت شرایط مخصوص است؛ چنان که همین معنا را ابن‌منظور در لسان‌المیزان بیان کرده است.^۲

فقه‌های فریقین اعم از شیعه و اهل سنت نیز، همین معنا را برای طواف مصطلح شرعی بیان می‌کنند.^۳ آیه ۲۹ سوره حج می‌فرماید: «...وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ»، و بر گرد خانه-ی گرامی کعبه، طواف کنند؛ این آیه نیز از جمله آیاتی است که به معنای مصطلح شرعی اشاره دارد.

بنابراین طواف بیت، طواف خاص است که همراه با قصد عبادت انجام می‌شود؛ چنان که سایر عبادات نیز ویژگی خاصی دارند. اگر حج به معنای قصد است، هر نوع قصدی را حج نمی‌گویند؛ بلکه قصد خاص را حج می‌گویند؛ به این جهت، هر نوع دور زدن و چرخیدن اطراف شیء دیگر را طواف نمی‌گویند؛ بلکه طواف کعبه که دور زدن خاص است، طواف می‌باشد؛ اما طواف دور قبور، طواف لغوی است؛ چرا که طواف دور قبور در اسم، مشابهت به طواف بیت دارد و در واقع، طواف نیست؛ لذا طواف دور قبر، اگر به قصد عبادت باشد، جایز نیست؛ اما به قصد زیارت و تبرک اشکالی ندارد؛ بلکه مصداق زیارت است که امری مستحب می‌باشد.

بنابراین چرخیدن دور قبر به قصد عبادت یا محبوبیت را طواف دور قبر گویند؛ حال در صورتی که طواف به قصد عبادت باشد، حرام، بلکه شرک است؛ اما اگر به قصد تبرک به صاحب قبر باشد (از آن جهت که یکی از اولیای الهی است)، اشکال ندارد، بلکه جایز است.^۴

۱. صدوق، محمد بن علی، الهدایة، ص ۲۲۵؛ نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۸۶.

۲. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۲۵.

۳. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۱۹، ص ۲۸۷؛ ابن‌رشد قرطبی، ابوالولید، بدایة المجتهد ونهاية المقتصد، ج ۲، ص ۱۰۵.

۴. طاهری خرم‌آبادی، سیدحسن، توحید و زیارت، ص ۱۱۴-۱۱۲.

ب: طواف از منظر ابن تیمیه

ابن تیمیه درباره طواف قبور و نماز در کنار آن می نویسد: به اجماع علما، طواف بر حجره‌ای که قبر پیامبر ﷺ در آنجا قرار دارد، جایز نیست؛ علاوه بر آن، نماز به سوی آن نیز جایز نیست. استدلال ابن تیمیه به حدیثی از پیامبر ﷺ است که در برخی از کتب از جمله صحیح مسلم آمده که پیامبر ﷺ در این روایت فرمود: «لا تجلسوا علی القبور ولا تصلّوا إليها»؛ بر قبرها ننشینید و به طرف آنها نماز نخوانید؛^۱ همچنین به بدعت بودن این عمل و ترک آن توسط سلف نیز استمساک کرده است.^۲

در نتیجه باید گفت، ابن تیمیه برای ادعای خود به سه دلیل تمسک می کند که عبارت‌اند از:

۱. اجماع؛

۲. روایت؛

۳. ترک سلف و بدعت بودن؛

در ذیل به بررسی سه دلیل مذکور پرداخته می شود.

ج: نقد و بررسی

۱. روایت

درباره روایت مورد استناد ابن تیمیه، به فرض صحت سندی آن^۳ باید گفت که اولاً، روایت مذکور دلالت بر حرمت طواف قبور نمی کند؛ زیرا موضوع روایت در مورد نشستن روی قبور

۱. نیشابوری، مسلم بن حجاج، المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله، ج ۲، ص ۶۶۸، ح ۹۷۲.
 ۲. «لا يجوز الطواف بالحجرة بالإجماع، بل ولا الصلاة إليها؛ لما ثبت عنه في صحيح مسلم عن أبي مرثد الغنوي أنه قال صلى الله عليه وسلم: لا تجلسوا على القبور ولا تصلّوا إليها»؛ (ابن تیمیه حرانی، احمد، الرد على الأحنائي قاضي المالكية، ص ۱۲۷)؛ «وزاد بعض جهال العامة ما هو محرم أو كفر بإجماع المسلمين كالسجود للحجرة والطواف بها وأمثال ذلك مما ليس هذا موضعه»؛ (ابن تیمیه، احمد، الرد على الأحنائي قاضي المالكية، ص ۳۵۴)؛ «والمصلاة إلى الحجرة والتمسح بها والصاق البطن بها والطواف بها وغير ذلك مما يفعله جهال القاديين، فإن هذا بإجماع المسلمين ينهى عنه الغرباء كما نهى عنه أهل المدينة»؛ (ابن تیمیه، احمد، الرد على الأحنائي قاضي المالكية، ص ۳۷۰).
 ۳. ابن تیمیه، أحمد، اقتضاء الصراط المستقيم لمخالفة أصحاب الجحيم، ج ۱، ص ۴۱.
 ۴. روایت مذکور در برخی از صحاح و سنن اهل سنت از جمله صحیح مسلم ذکر گردیده است.

و نماز خواندن به‌سوی قبور است؛ در نتیجه از جهت موضوعی، هیچ‌گونه ربطی به مسئله طواف ندارد.

ثانیا: به فرض که روایت دلالت بر حرمت طواف کند، با توجه به اینکه حضرت فرموده است: بر روی قبرها نماز نخوانید و همچنین، با توجه به معنای رایج طواف در اصطلاح شرع (هفت دور در اطراف خانه خدا به نیت عبادت گردیدن)، منظور ایشان، طواف به نیت عبادت است؛ لذا می‌توان گفت، حرمت مورد نظر از طواف حول قبور، از آن جهت است که به نیت عبادت صورت گیرد؛ وگرنه، صرف طواف و زیارت بدون نیت نه تنها اشکالی ندارد، بلکه مشمول روایات زیارت قبور می‌شود و به‌واسطه‌ی جایگاه صاحب قبور، دارای اجر و ثواب نیز است.

قرطبی از مفسران بزرگ اهل سنت، در ذیل روایتی به‌همین مضمون، چنین بیان داشته که منظور حدیث آن است که مانند یهود و نصارا، قبور انبیای الهی را قبله قرار ندهید و به‌سمت آن نماز نخوانید.^۱ ابن‌عبدالبر نیز همین معنا را احتمال داده است.^۲

مؤید اینکه صرف دور زدن حرمت ندارد، وجود قبور بسیاری از پیامبران بنی‌اسرائیل و اولیای الهی در کنار خانه خدا است که مورخینی چون ابن‌سعد^۳ و حلبی^۴ و محدثانی چون عینی^۵ به آن تصریح کرده‌اند؛ قابل توجه است که قبر حضرت اسماعیل علیه‌السلام و مادرش

۱. «أَيُّ لَا تَتَخَذُوهَا قِبْلَةً فَتَصَلُّوا عَلَيْهَا أَوْ إِلَيْهَا كَمَا فَعَلَ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى»؛ (قرطبی، محمد بن أحمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۰، ص ۳۸۰).

۲. «وَيَحْتَمِلُ الْحَدِيثُ أَنْ لَا تَجْعَلَ قُبُورَ الْأَنْبِيَاءِ قِبْلَةً يَصَلِّي إِلَيْهَا»؛ (قرطبی، يوسف، التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأساني، ج ۶، ص ۳۸۳).

۳. «ابن‌سعد از مورخین اهل سنت در کتاب طبقات بیان داشته که حضرت اسماعیل پس از فوت مادرش، وی را در حجر دفن کرد؛ همچنین زمانی که اسماعیل فوت شد، در کنار قبر مادرش در حجر دفن گردید؛ قَالَ: لَمَّا بَلَغَ إِسْمَاعِيلُ عَشْرِينَ سَنَةً تَوَفَّيَتْ أُمُّهُ هَاجِرٌ وَهِيَ ابْنَةُ تِسْعِينَ سَنَةً فَدَفَنَهَا إِسْمَاعِيلُ فِي الْجُبِّ... وَتَوَفَّيَ إِسْمَاعِيلُ بَعْدَ أَبِيهِ فَدُفِنَ دَاخِلَ الْجُبِّ مِمَّا يَلِي الْكَعْبَةَ مَعَ أُمِّهِ هَاجِرَ»؛ (ابن‌سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۴۴).

۴. «جناب حلبی از مورخان بزرگ اهل سنت می‌نویسد: قبر ۹۹ نفر از پیامبران بین مقام، رکن و زمزم است؛ همچنین در ادامه بیان داشته: در حوالی کعبه، حدود سیصد پیامبر دفن شده که قبر ۷۰ نفر از ایشان بین رکن یمانی و حجر الاسود است»؛ (حلبی، علی بن ابراهیم، إنسان العیون فی سیرة المؤمنین المأمون، ج ۱، ص ۲۲۳)؛ (یسار بصری، حسن، فضائل مکه، ج ۱، ص ۲۰).

۵. «عینی از علمای بزرگ اهل سنت در عمدة القاری فی شرح صحیح بخاری، می‌نویسد: قبر حضرت هود علیه‌السلام، صالح علیه‌السلام، شعیب علیه‌السلام و نوح علیه‌السلام، بین زمزم، رکن و مقام است». ابن‌کثیر در تائید کلام عینی دیدگاه و نظریه مذکور را قوی‌ترین و محکم‌ترین دیدگاه معرفی می‌نماید: قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ سَابِطٍ: قَبْرُ هُودٍ وَصَالِحٍ وَشُعَيْبٍ وَنُوحٍ، عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ، بَيْنَ زَمْزَمَ وَالرُّكْنِ وَالْمَقَامِ»؛ (عینی، محمود بن احمد، عمدة القاری شرح صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۱۷).

همیشه و دیگر قبور مذکور در ایام ازدحام و شلوغی، در محدوده طواف است؛ از سوی دیگر، پیامبر ﷺ، صحابه، تابعین و دیگر مسلمانان، تا امروز، حول کعبه در همان مکان‌هایی که قبور انبیاء قرار دارد به طواف خانه خدا مشغول هستند؛ همچنین بر حول حجر اسماعیل ؑ (مدفن حضرت اسماعیل ؑ و مادرش هاجر) نیز، طواف صورت می‌گیرد.

در نتیجه، از وجود قبور اولیای الهی در اطراف کعبه و طواف پیامبر ﷺ، صحابه و دیگر مسلمانان در اطراف آن، جواز چرخیدن دور قبور ثابت می‌گردد. اگر طواف حول قبور مورد اشکال بود، قطعاً پیامبر ﷺ و سلف امت، از این عمل حرام نهی می‌کردند؛ در حالی که نهی از سوی پیامبر ﷺ و سلف، صورت نگرفته است.

۲. اجماع: اختلاف در معنا و مصداق اجماع و نبود شاهد بر اجماع مذکور

الف: علمای اسلام در تعریف، انواع و دایره و محدوده حجیت اجماع با یک‌دیگر اختلاف دارند؛ به‌گونه‌ای که نمی‌توان در این باره تعریف واحدی ارائه کرد؛ چنان‌که در بین علمای اهل سنت در این باره به شدت اختلاف است و اشکالاتی بر هر یک از اقسام اجماع از سوی محققان وارد شده است.^۱

ب: صرف‌نظر از این مطلب، به‌جهت آنکه ادعای اجماع، بدون پشتوانه‌ی اقوالی از علمای گذشته است، لذا نمی‌توان آن را دلیل شرعی دانست.

به بیان دیگر، اجماعی که این تیمیه ادعا کرده، ناتمام است؛ زیرا چنین اجماعی در بین اقوال فقه‌های مذاهب وجود ندارد؛ اما ایشان بدون آنکه شاهد و دلیلی اقامه کند، ادعای اجماع کرده است؛ زیرا اجماع، منوط به توافق تمام علما است و اگر برخی از علما در مورد مطلبی توافق داشته و برخی سکوت نمایند، اجماع منعقد نمی‌شود؛ چنان‌که اتفاق برخی از علما، همراه با سکوت دیگر عالمان، حجیت‌آور نیست؛^۲ به فرض اینکه اجماع به‌معنای اجماع اهل حل و عقد گرفته شود، باز هم اجماع منعقد نمی‌گردد؛ زیرا در

۱. بهشتی دامغانی، ابراهیم، «مقاله اجماع از دیدگاه فریقین»، مجله حبل المتین، دوره اول، ص ۱۳۵-۱۱۳.

۲. نمله، عبدالکریم، المذهب فی علم الاصول الفقه المقارن، ص ۹۳۹.

این مورد، اجماع اهل حل و عقد نیز ثابت نیست.^۱

ج: طبق گفته خود علمای سلفی، اجماعی حجت است که به سلف صالح که همان سه نسل اول است، مستند باشد. ابن تیمیه می‌گوید: اجماعی که به سلف صالح بازگشت کند و مستند به آن سه نسل اول باشد، مورد پذیرش است؛ چراکه بعد از ایشان، اختلافات در امت زیاد گردید؛^۲ در نتیجه ادعای اجماع ابن تیمیه صحیح نیست و ادعایی بی‌دلیل است.

بدعت

ابن تیمیه در مورد بعضی از انواع بدعت‌ها می‌نویسد: «و کبناء المساجد علی القبور، والطواف بها، ... و نحو ذلك من البدع»؛^۳ بنای مساجد و طواف اطراف آنها، از جمله بدعت‌ها می‌باشند.

در این باره باید دید، بدعت در لغت و اصطلاح به چه معناست تا در نتیجه روشن گردد که طواف حول قبور، از مصادیق آن است یا خیر؟
بدعت در لغت عبارت است: «البدعه: اخترعته لآعلی مثالی»؛^۴ پدید آوردن چیز بی-سابقه و عمل نو و جدیدی است که نمونه نداشته باشد.

در اصطلاح عبارت است از: «إيراد قول لم یستنّ قائلها و فاعلها فیه بصاحب الشریعه و أمثالها المتقدمه و أصولها المتقنه»؛^۵ بدعت در دین، گفتار و کرداری است که به صاحب شریعت مستند نباشد و از موارد مشابه و اصول محکم شریعت استفاده نشده باشد.
بعد از تعریف بدعت در لغت و اصطلاح باید گفت:

۱. طبق تعریف علمای اسلام، بدعت عبارت است از داخل کردن حکمی در دین،

۱. فخر رازی، محمد، المحصول فی علم الاصول، ج ۴، ص ۲۰.

۲. ابن عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی و رسائل فضیلة الشیخ محمد بن صالح العثیمین، ج ۱۰، ص ۸۹۶.

۳. ابن تیمیه، احمد، اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة أصحاب الجحیم، ج ۱، ص ۴۱.

۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح اللغة، ج ۳، ص ۱۱۳.

۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۱۱۱.

بدون اینکه اصل عام یا خاص از دین دلالت بر آن کند؛^۱ اما در مورد طواف حول قبور، از فعل سلف مواردی در کتب حدیثی و تاریخی ذکر شده که در ادامه، به برخی از آنها اشاره می‌شود؛ پس بدعت نامیدن آن بدون دلیل است.

۲. علاوه بر اینکه بر اساس روایات رسیده از اهل بیت علیهم‌السلام (که در ادامه به آن اشاره می‌شود)، عمل مذکور مشروع بوده و موضوعاً از بدعت خارج است.

۳. ضمن اینکه طبق کلام خود ابن تیمیه^۲ و برخی از بزرگان اهل سنت مانند شافعی، هر بدعتی حرام نیست.^۳

۴. همچنین در شرع، دلیلی بر حرمت طواف قبور و نماز در کنار قبور ذکر نشده است. در ترک، احتمالات مختلفی وجود دارد و هر ترکی دلالت بر حرمت داشتن و منهی عنه بودن آن فعل نمی‌کند.

د: دیدگاه شیعه در بیان طواف حول قبور

در روایات وارده در کتب حدیثی شیعه، روایاتی دال بر جواز طواف حول قبور دیده می‌شود.

۱. روایات دال بر جواز طواف حول قبور

علاوه بر اینکه روایات مذکور، از محل بحث طواف حول قبور خارج است، با مراجعه به کتب روایی شیعه ثابت می‌شود که برخی از روایات، به صورت صریح این عمل را جایز دانسته و در نتیجه، حتی ترتب ثواب بر آن نیز ثابت است؛ به عنوان نمونه، کلینی در کافی چنین نقل کرده است:

۱. «به عنوان نمونه، ابن حجر عسقلانی و عینی از علمای اهل سنت در تعریف بدعت چنین می‌نویسند: والمُخَدَّاتُ بفتح الدال جمع مُخَدَّه، والمراد بها: ما أحدث وليس له أصل في الشرع ويسمى في عرف الشرع بدعة، وما كان له أصل يدل عليه الشرع فليس بدعة؛ هر چیز جدیدی که ریشه شرعی نداشته باشد، در عرف شرع، بدعت نامیده می‌شود و هر چه که ریشه و دلیل شرعی داشته باشد بدعت نیست»؛ (ابن حجر عسقلانی، احمد، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۱۳، ص ۲۵۳)؛ (عینی، محمود بن احمد، عمدة القاري شرح صحيح البخاري، ج ۲۵، ص ۲۷).

۲. «و ما خالف النصوص فهو بدعة باتفاق المسلمين وما لم يعلم أنه خالفها فقد لا يسمى بدعة قال الشافعي: البدعة بدعتان: بدعة خالفت كتاباً وسنة وإجماعاً وأثراً عن بعض أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم فهذه بدعة ضلالة. وبدعة لم تخالف شيئاً من ذلك فهذه قد تكون حسنة لقول عمر: نعمت البدعة هذه هذا الكلام أو نحوه رواه البيهقي بإسناده الصحيح في المدخ»؛ (ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوى، ج ۲۰، ص ۱۶۳).

۳. بیهقی، أحمد بن حسین، معرفة السنن والآثار، ج ۴، ص ۴۰۸.

«... عَنْ يَحْيَى بْنِ أَكْثَمٍ فِي حَدِيثٍ، قَالَ: بَيْنَا أَنَا ذَاتَ يَوْمٍ دَخَلْتُ أَطُوفُ بِقَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ، فَرَأَيْتُ مُحَمَّدَ ابْنَ عَلِيٍّ الرِّضَا يَطُوفُ بِهِ؛ فَنَظَرْتُهُ فِي مَسَائِلَ عِنْدِي - الْحَدِيثِ».^۱

یحیی بن اکثم می‌گوید: روزی مشغول طواف کردن دور قبر رسول خدا ﷺ بودم که محمد بن علی علیه السلام را در حال طواف کردن حول قبر پیامبر ﷺ دیدم؛ لذا از فرصت استفاده کردم و در مورد بعضی از مسائل با ایشان مناظره نمودم.

روایت مذکور صریح در جواز طواف حول قبور است و با توجه به اینکه روایات ناهیه از طواف در مورد غائط است، لذا هیچ‌گونه تعارضی بین روایات ناهیه که در مورد غائط است و روایات مجوز طواف که دال بر استحباب است، وجود ندارد.

روایات دال بر حرمت طواف حول قبور

با رجوع به برخی از آثار شیعه، به ظاهر احادیثی در رد طواف حول قبور به چشم می‌خورد که در ادامه به بیان و بررسی روایات مذکور پرداخته می‌شود.

شیخ حر عاملی در کتاب مزار «وسائل الشیعة»، بابی را در عدم جواز طواف به قبور منعقد ساخته و دو روایت در عدم جواز ذکر کرده است. ذکر این نکته لازم است که در مفهوم‌شناسی، دو معنا (چرخیدن، غائط کردن) برای طوف بیان گردید؛ لذا در ابتدای روایت به هر دو معنای طوف، (ترجمه)، و صحت و سقم هر یک از دو معنا پرداخته می‌شود.

روایت اول:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: لَا تَشْرَبْ وَأَنْتَ قَائِمٌ، وَلَا تَطْفُ بِقَبْرِ، وَلَا تَبُلْ فِي مَاءٍ نَقِيعٍ. فَإِنْ مَنَ فَعَلَ ذَلِكَ فَأَصَابَهُ شَيْءٌ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ - الْحَدِيثُ. وَ مَنْ فَعَلَ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ، لَمْ يَكُنْ يُفَارِقُهُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ».^۲

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: در حالت ایستاده آب ننوش و دور قبری طواف نکن؛ یا روی قبری غائط نکن و در آب جمع شده بول نکن و هر کس این فعل را مرتکب شود و

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۲۵۳.

۲. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۱، ص ۳۴۱؛ همان، ج ۱۴، ص ۵۷۴.

ضرری به وی برسد، هیچ‌کسی را جز خود ملامت نکند.

روایت دوم:

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: لَا تَشْرَبُ وَأَنْتَ قَائِمٌ، وَلَا تَبْلُ فِي مَاءٍ نَقِيعٍ، وَلَا تَطْفُ بِقَبْرِ- الْحَدِيثِ».^۱

به نقل از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام می‌فرماید: ایستاده آب نخور و در آب ایستاده (آب جمع شده در جایی) ادرار نکن و قبری را طواف نکن.

نقد و بررسی دو روایت مذکور

صرف‌نظر از بحث سندی، دو روایت مذکور ربطی به مسئله طواف حول قبور ندارد؛ بلکه با توجه به سیاق آن (ادرار کردن به‌صورت ایستاده)، مربوط به مسئله غائط روی قبور است؛ در نتیجه روایت از بحث (طواف و چرخیدن اطراف قبور) خارج است. با مراجعه به کتب لغت و برخی از روایات، ادعای مذکور بیشتر روشن و در نهایت ثابت می‌گردد؛ به‌عنوان نمونه:

طریحی در مجمع البحرین در ذیل ماده طوف می‌نویسد: «وَالطُّوفُ: الْغَائِطُ»؛^۲ وی در ادامه به روایاتی که طوف به‌معنای غائط به‌کار رفته، استدلال می‌نماید؛ در واقع خود این روایت نیز برای ادعای فوق، قابل استناد است؛ «وَمِنْهُ الْخَبْرُ: لَا يُصَلُّ أَحَدُكُمْ وَهُوَ يُدْفَعُ الطُّوفُ»؛ همچنین در حدیث آمده که نماز نخوانید در حالی که مدفوع دارید. «وَمِنْهُ الْحَدِيثُ: لَا تَبْلُ فِي مُسْتَنْقِعٍ، وَلَا تَطْفُ بِقَبْرِ!»؛ درآب راکد و گودال‌هایی که در آنها آب جمع شده ادرار نکن و بر روی قبر غائط (مدفوع) نکن.^۳

۱. در صحاح اللغة آمده: «وَالطُّوفُ: الْغَائِطُ، تَقُولُ مِنْهُ: طَافَ يَطُوفُ طَوْفًا وَاطَّافَ

اطِّافًا، إِذَا ذَهَبَ إِلَى الْبَرَازِ لِيَتَغَوَّطَ»؛ بلند شد برای غائط کردن.^۴

۲. در کتاب تاج العروس، پس از ذکر معنای طواف به حدیثی استناد می‌کند که طواف

۱. همان، ج ۱، ص ۳۴۰؛ همان، ج ۱۴، ص ۵۷۴.

۲. مصطفوی، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۷، ص ۱۴۱.

۳. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۹۱.

۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ج ۴، ۱۳۹۷.

را به معنای غائط کردن استعمال کرده و فرمودند: در حدیث آمده که دو نفر در حین غائط کردن نباید با هم صحبت کنند؛ همچنین در حدیث آمده که نماز نخوانید در حالی که مدفوع و بول دارید.^۱

۳. ابن منظور در لسان العرب نیز طوف را به غائط معنا کرده^۲ و در این باره سه روایت را بیان کرده است.^۳

سیاق روایات ناهیه

هرچند طواف به معنای چرخیدن نیز به کار رفته، اما همان گونه که بیان شد، با در نظر گرفتن سیاق حدیث و مناسبت فقرات حدیث، طواف به معنای غائط، رجحان و بلکه معین است؛ یعنی با نظر به فقرات حدیث (ایستاده آب خوردن و بول کردن در آب راکد و گودال هایی که در آنها آب جمع شده است)، طواف، به معنای غائط کردن بر قبور، سزاوارتر از معنای چرخیدن و طواف نمودن به نظر می رسد.^۴

به خصوص، تعلیلی که در روایت اول برای مرتکب شدن این امور می آورد و می گوید: «فَإِنْ أَصَابَهُ شَيْءٌ فَلَا يُلَومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ»، اگر چیزی به او اصابت کرد خود را مذمت نماید، مناسب با غائط نمودن است و چه بسا با انجام عمل مذکور، دچار عقرب زدگی و یا مار-گزیدگی شود؛ به خصوص در دوران قدیم که برای غائط نمودن جای خاصی مدنظر نبود و غائط کردن در صحراها و بر روی قبور در قبرستان ها متداول بوده و مار و عقرب و سایر حشرات هم در قبرستان ها فراوان بوده اند.

شاهدی دیگر که این معنا را تقویت می کند، روایت وصیت پیامبر ﷺ به امام علی (ع) است که غائط نمودن روی قبور را نهی کرده است؛ وی می فرماید: «یا علی ثلاثة يتخوف منه الجنون: التغوط بين القبور، والمشي في خف واحد، والرجل ينام وحده».^۵

۱. زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس، ج ۱۲، ص ۳۶۰.

۲. «الطَّوْفُ: الحدث من الطعام»؛ (ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۲۷).

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۲۷.

۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۶۰، ص ۲۶۱؛ همان، ج ۶۳، ص ۴۵۹.

۵. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ج ۱، ص ۱۲۵.

پیامبر ﷺ به امام علی علیه السلام می‌فرماید: ای علی علیه السلام، سه چیز است که از ارتکاب آنها خوف جنون می‌رود؛ اول، غائط کردن بین قبرها؛ دوم، راه رفتن با یک لنگه کفش و سوم، تنهایی خوابیدن؛ علاوه بر مطالب مذکور، برخی از روایات موجود در کتب شیعه، در تایید طواف حول قبور می‌باشد که خود شاهی دیگر برای حمل روایات ناهیه بر معنای غائط است.^۱

عین همین روایات یا مضمون آن در برخی دیگر از کتب حدیثی شیعه مانند بحار الانوار نقل شده است؛ اما روایات مذکور (مانند روایات موجود در وسائل)، ربطی به مسئله طواف حول قبور ندارد، لذا از محل بحث خارج است.

دیدگاه برخی از علمای شیعه در مورد روایات ناهیه

الف: علامه مجلسی

از جمله علمایی که در مورد روایات طواف به صورت مفصل بحث کرده، علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار است. وی در مورد نهی وارده از طواف اطراف قبور، سه احتمال مطرح می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. نهی از طواف به عدد مخصوصه (یعنی هفت دور که مختص به کعبه می‌باشد)؛ علامه در جهت تایید این احتمال، حدیث مذکور در کافی، راجع به طواف امام محمد تقی علیه السلام را با همان سند از یحیی بن اُکثم روایت می‌کند و در ادامه می‌نویسد: احتیاط، طواف برای انجام دعاها و اعمال وارده است.

۲. نهی از طواف، حمل بر طواف قبر غیر معصوم شود.

۳. منظور از طواف که نهی شده، غائط نمودن است؛ چنان‌که در حدیثی از سخن گفتن دو نفر در حال طوف (یعنی غائط کردن)، نهی شده است؛ در این حدیث، طوف به-معنای غائط است؛ شاهد این سخن، روایتی صحیح‌السند به عنوان قرینه بر معنای مذکور (حمل روایت نهی از طواف کنار قبور بر معنای نهی از غائط نمودن در کنار قبور) است؛

۱. روایات مؤید عمل طواف در ادامه بحث ذکر می‌شود.

در این روایت، امام باقر علیه السلام به صورت صریح از غائط کردن در کنار قبور نهی کرده و می-فرماید: «مَنْ تَخَلَّى عِنْدَ قَبْرِ...»؛ نکته جالب تر این است که روایتی ضعیف به همین مضمون نقل شده که به جای تخلی در کنار قبور، عبارت «لا تطف عند القبور» آمده است؛^۱ همچنین علامه در جای دیگر طواف به معنای غائط را شایع و موجود در لغت و روایت دانسته است.^۲

در نهایت باید گفت، هر سه توجیه علامه یک نقطه مشترک داشته و آن عبارت است از اینکه روایات ناهیه، طواف اطراف قبور را نفی نمی کند. ضمن اینکه وی سعی نموده با قرائن موجود، روایات ناهیه را حمل بر معنای غائط نماید و همین احتمال را ترجیح دهد؛ چنان که تعبیر به اظهار بودن از سوی علامه، بیان گر همین مطلب است.^۳

ب: محدث نوری

مرحوم محدث نوری در مستدرک الوسائل بابی تحت عنوان جواز طواف قبور تدوین نموده است. وی در بیان جواز طواف قبور به حدیثی که در مورد طواف حضرت فاطمه علیها السلام حول قبر پدر بزرگوارشان، با دو نقل و حدیثی که در بیان شیوه زیارت، توصیه به طواف حول قبر کرده، استناد می نماید. سه روایت مذکور صریح در جواز طواف حول قبور است.^۴ علاوه بر اینکه مرحوم محدث نوری، روایات ناهیه از طواف را حمل بر معنای غائط نموده و بیان داشته: هیچ گونه تعارضی بین روایتی که جواز طواف را اثبات می کند و بین روایات ناهیه از طواف نیست.^۵

نتیجه

ابن تیمیه برای حرمت طواف قبور علاوه بر روایات، به اجماع علمای اسلام و بدعت تمسک کرده است. با بررسی های انجام شده روشن گردید، روایات مورد استناد دلالت بر

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة، ج ۹۷، ص ۱۲۷.

۲. همان، ج ۷۷، ص ۱۷۳.

۳. همان، ج ۹۷، ص ۱۲۸.

۴. نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۰، ص ۳۶۶.

۵. نوری، حسین بن محمد، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۰، ص ۳۶۶.

حرمت طواف ندارد و به فرض دلالت، طوافی که همراه با نیت عبادت باشد را حرام می‌داند؛ همچنین این جمله که وجود اجماع ثابت نیست نیز، کلامی بدون دلیل است؛ چنان‌که بدعت بودن نیز به دلیل وجود دلیل عام یا خاص، مورد اشکال است؛ افزون بر این، شیعه نه تنها از طواف حول قبور نهی نکرده، بلکه از روایات، استحباب عمل مذکور استفاده می‌شود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، **الخصال**، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش.
۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العین**، قم: هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۴. طاهری خرم آبادی، سیدحسن، **توحید و زیارت**، قم: موسسه بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۹۴ ش.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، **تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة**، قم: مؤسسه آل البيت (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۶. طریحی، فخرالدین بن محمد، **مجمع البحرين**، تهران: مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
۷. فیومی، احمد بن محمد، **المصباح المنیر**، قم: بی نا، چاپ دوم، بی تا.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب، **الكافي**، تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۹. نوری، حسین بن محمد، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، قم: مؤسسه آل البيت (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
۱۰. مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.
۱۱. نجفی، محمد حسن، **جواهر الکلام**، تحقیق: عباس قوچانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۵ ش.
۱۲. بهشتی دامغانی، ابراهیم، «مقاله اجماع از دیدگاه فریقین»، **مجله جبل المتین**، دوره اول، ۱۳۹۱ ش.
۱۳. نمله، عبدالکریم، **المهذب فی علم الاصول الفقه المقارن**، ریاض: دارالنشر، ۱۴۲۰ ق.
۱۴. ابن عثیمین، محمد بن صالح، **مجموع فتاوی و رسائل فضیلة الشیخ محمد بن صالح العثیمین**، ریاض: دارالوطن، ۱۴۱۳ ق.
۱۵. ابن تیمیه، أحمد، **اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة أصحاب الجحیم**، تحقیق: ناصر عبدالکریم العقل، بیروت: دار عالم الکتب، چاپ هفتم، ۱۴۱۹ ق.
۱۶. ابن تیمیه، احمد، **مجموع الفتاوی**، تحقیق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، مدینه: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ۱۴۱۶ ق.
۱۷. ابن حجر عسقلانی، احمد، **تهذیب التهذیب**، هند: مطبعة دائرة المعارف النظامية، چاپ اول، ۱۳۲۶ ق.
۱۸. ابن تیمیه، احمد، **الرد على الأحنائي قاضي المالكية**، تحقیق: الدانی بن منیر آل زهوی،

- بیروت: المكتبة العصرية، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
۱۹. نجفی، محمد حسن، **جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام**، بیروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.
۲۰. ابن رشد قرطبی، ابوالولید، **بداية المجتهد ونهاية المقتصد**، قاهره: دارالحديث، ۱۴۲۵ق.
۲۱. ابن حجر عسقلانی، احمد، **فتح الباري شرح صحيح البخاري**، بیروت: دارالمعرفة، ۱۳۷۹ق.
۲۲. ابن سعد، محمد، **الطبقات الكبرى**، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۹۹۰م.
۲۳. قرطبی، محمد بن أحمد، **الجامع لأحكام القرآن**، تحقیق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، قاهره: دارالکتب المصریة، چاپ دوم، ۱۳۸۴ق.
۲۴. قرطبی، یوسف، **التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأساني**، تحقیق: مصطفى بن أحمد العلوي، محمد عبدالکبير البکري، مغرب: وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامية، ۱۳۸۷ق.
۲۵. بغدادی، محمد بن سعد، **الطبقات الكبرى**، تحقیق: إحسان عباس، بیروت: دار صادر، چاپ اول، ۱۹۶۸م.
۲۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت: بی نا، چاپ سوم، بی تا.
۲۷. یسار بصری، حسن، **فضائل مكة**، محقق: سامي مكي العاني، کویت: مكتبة الفلاح الكويت، بی تا.
۲۸. بیهقی، أحمد بن الحسين، **معرفة السنن والآثار**، تحقیق: عبدالمعطي أمين قلجی، قاهره: دارالوفاء، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۲۹. زبیدی، محمد بن محمد، **تاج العروس**، بیروت: بی نا، چاپ اول، بی تا.
۳۰. حلبی، علی بن ابراهیم، **إنسان العيون في سيرة الأمين المأمون**، بیروت: دارالکتب العلمیة، الطبعة الثانية، ۱۴۲۷ق.
۳۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، **الصحاح**، بیروت، بی نا، چاپ اول، بی تا.
۳۲. عینی، محمود بن احمد، **عمدة القاري شرح صحيح البخاري**، بیروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا.
۳۳. مجلسی، محمد باقر، **بحار الأنوار**، بیروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۳۴. فخر رازی، محمد، **المحصول في علم الاصول**، تحقیق: جابر فیاض العلواني، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ سوم، ۱۹۹۷م.
۳۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات ألفاظ القرآن**، بیروت، دمشق: دار العلم - الدار الشامیة، اول، ۱۴۱۲ق.